

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛ بسا عملی (تیک) که نیت (بد) آن را فاسد و تباہ کند.

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۴ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۳۸  
■ اذان مغرب: ۱۹:۵۷ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۹  
■ اذان صبح: ۵:۰۱ ■ طلوع آفتاب: ۶:۳۹

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
■ مدیر مسئول: عبدالله گنجی  
■ مدیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه نورچ، شماره ۱۴  
■ کدپستی: ۴۵۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴  
■ تلفن: ۳۳۰۳۰۰۰، شماره فاکس: ۳۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری  
■ همشهری: www.hamshahrionline.ir  
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ توزیع و اشتراک: مؤسسه نشر گستر امروز نیوز  
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ سازمان آگهی ها و نیازمندی ها: خیابان قائم مقام قراقرانی، میدان شمع، خیابان شهید خدروی  
■ شماره: ۲۹-طبقه اول ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۷۰-۸۸۶۱۸۱۹

## ادعوی استغفار نغم

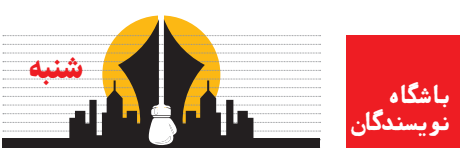
ادعای روز چهاردهم ماه مبارک رمضان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم لا تؤاخذني فيه بالعترات واقلني فيه من الخطايا والهنوات ولا تجعلني فيه غرضا للبلایا والافات بعزتك يا عز المسلمین.

به نام خداوند بخشنده مهربان

خدا یا مؤاخذ نکن مرا در این روز به لغزش ها و در گذر از من در آن از خطایا و بیهودگی ها و قرار مده مرا در آن نشانه تیر بلاها و آفات ای عزت دهنده مسلمانان.



باشگاه نویسندگان

## در مهمانی خسرو پرویز

سید جواد رسولی

کارشناس رسانه



در بخشی از منظومه خسرو و شیرین، نظامی گنجوی تصویری ارائه می کند از یک روز در دربار خسرو پرویز پادشاه مقتدر ساسانی. تصویر مربوط است به سار عامی که پادشاه

داده است. مردم از قشرهای مختلف به دربار شاه می آیند. خواسته هایشان را مطرح می کنند. در نهایت هم بر سر سفره مهمانی خسرو می نشینند و از آنها پذیرایی می شود. اما شکل دسته بندی جمعیت و صف های مردم با سیاست خاصی انجام می شود. افراد به ۵ دسته مختلف و در ۵ صف قرار می گیرند. صف اول مربوط است به «توانگران» یا افراد پولدار، صف دوم «درویشان» یا فقرا تشکیل می دهند. در

صف سوم بیماران و افراد علیل قرار می گیرند. صف چهارم را به زندانیان که پس از زنجیر دارند اختصاص می دهند. سرانجام در صف پنجم محکومان به مرگ را جای می دهند. بعد وقتی که شاه وارد می شود، پیش از آنکه افراد بخواهند خواسته هایشان را بیان کنند از آنان خواسته می شود که هر کس در احوال سف کنارش نگاه کند و وضعیت آنان را با وقت ببیند. در نتیجه توانگران اوضاع درویشان را می بینند و شکر می کنند از اینکه وضع خوبی دارند. فقرا حال بیماران را می بینند و شاکراند که سلامتی دارند. بیماران حال زندانیان در بند را می بینند و از داشتن نعمت آزادی خرسند می شوند. زندانیان وضعیت محکومان به مرگ را می بینند و خوشحال می شوند که زنده می مانند و در صف پنجم محکومان به مرگ همچنان امید به بخشایش و عفو توسط پادشاه دارند. اگر چه نظامی به همینقدر بسند می کند و پیش از این جزئیات بیشتری از جلسات بار عام در توصیف خود نمی آورد (باقی توصیفات در خصوص سفره بزرگ و مفصلی است که دربار خسرو برای مردم پهن کرده است) اما به نظر می رسد در این تصویر که انگارهای از عدالت در دوران باستان را عرصه می کند، نکات جالبی نهفته است. به جز آنکه افرادی با دیدن دگرگانی که وضعی بدتر از خود دارند، خواسته های خود را تعدیل و به احوالی که دارند شکر می کنند، نمی شود

از این نکته چشم پوشید که همه مردم در کنار همدیگر قرار می گیرند. این در کنار هم بودن و همدیگر را دیدن بخشی است که در این تصویر بسیار مهم است. قاعدتا افراد با همتایان و افراد شبیه به خود نشست و برخاست می کنند و در گروه ها و حلقه های خاص خودشان هستند. به این ترتیب فرصتی برای تامل در احوال دیگری ندارند. ایده «تامل در احوال دیگری» که به دسته تو تعلق ندارد، به نظر ایده اصلی عدالت در این تصویر است. ایده ای که فراتر از بحث عدالت ورزی حاکم قرار می گیرد. نظامی در این روایت روی «تنهایی بودن» و همراهی با دیگران تأکید می کند و این توجه به دیگری را هم بخشی از مفهوم عدالت می داند:

بداند هر که با تدبیر باشد

که تنها خوار تنها میر باشد

مخور تنها گرت خود آب جوی است

که تنها خور چو دریا تلخ خوی است

بسه باید خوشستن را شمع کردن

بسه کار دیگران پا جمع کردن

اما نکته مهم دیگر در این روایت این است که با وجود ضرورت تامل افراد جامعه در احوال دیگران، در نهایت این حاکم است که باید با تدبیر و ایده هایی مشخص زمینه توجه افراد به یکدیگر را فراهم آورد. به این ترتیب در نگاه نظامی حاکم نه تنها باید خودش از احوال مردم با خبر باشد، که باید بتواند آنها را نیز از حال یکدیگر با خبر کند و احتمالا به دلیل همین نگاه دقیق و تیزبین است که به نظامی گنجوی لقب «حکیم» داده اند.



آخر مصور



■ نمایش جهانی | اثر: استن استفان



# همیشه پاری

## وقتی به آسمان نگاه کردیم

نگاه  
روزنامه نگار

ماجرای چندین مسوی دانش آموزان در یک مدرسه، چند روزی است به یکی از موضوعات داغ شبکه های اجتماعی بدل شده است. یادم می آید کلاس دوم راهنمایی بودم (بله زمان درس خواندن من، هنوز مقطع راهنمایی وجود داشت) که یک روز صبح سر صفا ایستاده بودیم و ناظم مدرسه هم مشغول سخنرانی بود. جناب ناظم با آن لحن آرام و کشادارش داشت چیزی می گفت که ناگهان هواپیماهای جنگی از بالای سر مدرسه رد شدند. روز از تش بود (۲۹ فروردین) و هواپیماهای نظامی، عملیات نمایشی انجام می دادند. پسرهایی که تمام دوران کودکی شان در جنگ گذشته بود، با شوق تمام به آسمان نگاه کردند و در همان عالم نادانی با انگشت هواپیماها

بالا نمی خواستیم همان اول صبح لباسمان خاکی شود یا روی زمین دراز کش بمانیم و تا مدت ها دستمایه شوخی و خنده همکلاسی ها شویم؛ اما مدیر از عمد میان یک ۲ گفتن هایش تأخیر زیادی می انداخت. دست ها روی اسفالت حیاط، زیر فشار بودند و کم کم به لرزش می افتادند. اسماعیل (هم نام یاد دارم) یکی از همکلاسی هایمان بود که از چند روز قبل، انگشت سیابه دست چپش چرک بدی کرده بود و تورم داشت. نمی توانست درست شنا برود یا مکت های مدیر را تحمل کند. دقیقه بعد آقای مدیر روی سکوی بلند مقابل صفا ایستاده بود. میکروفون را گرفت، اولی ها را فرستاد و سر کلاس و گفت که دومی ها و سومی ها بمانند. می دانستیم عقوبتی سخت در انتظارمان است. مدیر، فرمان داد همه بروند روی پنجه های دستشان در حالت شننه؛ با شنیدن عدد یک بروند پایین و با عدد ۲ بایند

## برای تو که نادانی کردی

نکته  
سید محمد حسین هاشمی  
روزنامه نگار

می بینی مردم؟ می بینی آخر و عاقبت کارت را می بینی چطور با یک بی فکری، شدی شهره شهر؟ اصلا آن موقع خواست به خودت بود؟ به خانواده ات که بعد از انتشار این فیلم چه بر سرشان می آید؟ فکر کردی به آنکه با این کارت، بسزد نفرت را چطور داری در دل فرزندان و آینده سازان این مملکت می کاری؟ فکر کردی اگر کسی سطل زباله را بدی دست یکی شان، فیچی که با آن کاغذ نامه هایت را می سری، برداری و موی بچه ها را به آن روزگار بیندازی، داری کار فرهنگی می کنی؟ بیشتر از هر کسی دوست دارم بدانم الان کجایی و چه می کنی؟



اول آخر

نیت زنیایی - دریاچه صوتی سیستان و بلوچستان عکاس: فاطمه عباسی

## نخستین کباب به فضا رفت



آدانا؛ یک سر آشپز اهل ترکیه همزمان با شصت و یکمین سالگرد سفر انسان به فضا، کباب معروف ترکیه را با یک بالن هلیومی به خارج از جو زمین هدایت کرد. پاشار آیدین سر آشپز ترکیه ای برای این کار با گروه کار آفرین «آلبیراک» همکاری کرد. به گزارش یورونیوز، پس از ۳ ساعت این بالن در استراتوسفر (دومین لایه بزرگ اتمسفر) در ارتفاع بین ۳۵ تا ۴۰ کیلومتری منفجر شد و در نهایت به دریا سقوط کرد. آقای آیدین از طریق ردیاب به کباب رسید و آن را به رستوران خود منتقل کرد و از آن به عنوان «نخستین صادرات ترکیه به فضا» نام برد. هر چند سازمان ملل، بلندی ۱۰۰ کیلومتری از زمین را به عنوان مرز فضا می شناسد اما پاشار آیدین با اینترفند موفق شد بخشی از فرهنگ و غذای کشورش را به جهانیان معرفی کند.

## دست دادن حالت توهم به بایدن



کارولینای شمالی؛ پس از سخنرانی ۴۰ دقیقه ای رئیس جمهور آمریکا در دانشگاه ایالتی شهر گرینزبورگ (کارولینای شمالی) به جو بایدن حالت توهم دست داد. در فیلمی که از این مراسم منتشر شده است جو بایدن ۷۹ ساله را مشاهده می کنیم که ناگهان برمی گردد و ابتدا قصد دارد با فردی که در واقع وجود ندارد او توهم حضورش را دارد دست بدهد. (در اصول حرفه ای نشر اخبار باید به نقل نعل به نعل واقعیت وفادار بود و ممکن است روانشناسان این حرکت بایدن را امصادق دست دادن حالت توهم ندانند؛ اما از آنجا که در زبان فارسی عبارتی مضمون «دست دادن» حالت توهم وجود دارد می توانیم دست دادن جو بایدن با توهم فردی که وجود نداشت را بدون تغییر واقعیت اینگونه تعبیر کنیم). البته به چالش کشیدن حرکات عجیب و غریب بایدن به این سستون و گزارش نیویورک پست از این ماجرا محدود نمی شود؛ برای نمونه همین چند شب پیش هم شبکه مشهور ام بی سی عبرستان سعودی، با پخش یک برنامه کمدی با بازی خالد فرج گاف های او را به نمایش گذاشت. این کلیپ ویدئویی یک دقیقه ای از بعدازظهر چهارشنبه فقط در توئیتر بیش از ۷ میلیون بار دیده شد.

## فرهنگ و زندگی

### شاد و شیرین مثل تهران در رمضان



فاطمه عباسی

ماه رمضان، ماه ضیافت الهی و سفره های افطاری زمینی است. اما یک نوع دوره می دیگر هم در این ماه برگزار می شود که مخصوص اداره ها، نهادها و انجمن های مختلف است. از جشنواره های مختلف بگیر تا برگزاری نمایش و برنامه های فرهنگی تا مثل بسیاری از کشورهای مسلمان، در این ماه روزهای شادی برای مردم ساخته شود. یکی از این برنامه ها، برگزاری تئاترهای خیابانی در شب ماه رمضان با عنوان «شکیبا» است. سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به همت مدیریت فرهنگی و هنری منطقه ۵ در قالب برنامه مناسبتی «بر آستان جانان»، برنامه ای شامل ۳۰ اجرای تئاتر خیابانی را در دستور کار دارد و آن را در فرهنگ سراها و ایستگاه های مترو برگزار می کند. آنهایی که به ناشر و نمایش علاقه دارند می توانند «نمایش منتخب «شکیبا» را در مناطق مختلف شهر ببینند. مکان های روباز برگزاری این نمایش هم فرهنگ سراهای خاوران، عشرت، تهران، باغ موزه قصر و فرهنگ سرای مترو و ایستگاه های مختلف



## فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می بینید، ما منتظریم تا نوشته هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرحتان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۲۴۲۶ بگیرد تا برای رساندنش به ما، راهنماییتان کنیم.

## تقویم / سالروز

### دلگک صامت

«من همیشه یک دلقک بودم و فقط هم یک دلقک باقی خواهم ماند.» این جمله یکی از کلیدی ترین توصیف هایی است که سر چارلز اسپنسر چاپلین جونیور با همان چارلی چاپلین خودمان در وصف جایگاه دست نیافتنی اش در عالم هنر گفته است. اما بایند این را هم در نظر داشت که او برای به دست آوردن یک لقمه نان دست به دلقک بازی نمی زد. اصلا همیشه این حرف ورد زبانش بود که روزی که در آن نخندید، روزی سر باد رفته است. برای همین هم بود که تمام سعی خودش را می کرد تا تراژدی های زندگی روزمره را در لاف شیرین دلقک بازی هایش، با آن لباس مندرس، کلاه، عصا، کفش های بزرگ و سبیل، بدون حرف و صدا ببیند و جلوی چشمان ما بچیند. خودش در این باره ایده جالبی دارد: «زندگی در نمای بسته تراژدی اما در نمای باز، کمدی است». فیلم هایش را هم دقیقاً به پیروی از این جمله ساخت. دلقک بزرگ نخستین بار در سن هسالگی روی

## دیالوگ

### من دیه گومارادونا هستم

اینقدر دوست دارم این موشای کثیف کوچولویی که همین جوری میان توی زندگی آما گردنشونو بگیرم فشار بدم، اونوقته که همه صداقت کودکیشون برمی گرده. بعد بگم ببین چقدر دروغ نگفتن خوبه.

بهرام تولگی